

۱۹ بهمن

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۸ - خرداد ۱۳۸۲



مرگ بر جمهوری اسلامی!

پرانی بین مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی و دانشجویان معترض تبدیل گشت. در این درگیریها چندین تن از نیروهای انتظامی مجروح شدند.

مقامات سرکوبگر جمهوری اسلامی در جریان شورشهای دانشجویی - توده ای در شهرهای اصفهان و شاهین شهر در استان اصفهان حداقل ۳۰۰ تن از دانشجویان و مردم معترض را در طول سرکوبهای چند روزه دستگیر کردند. در شهرهای نامبرده، مردم معترض با برپایی تظاهرات بر علیه جمهوری اسلامی، ضمن آتش زدن یک پمپ بنزین و چند ماشین گشت ۱۱۰ به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداختند. ابعاد درگیریهای ضد حکومتی در اصفهان آنقدر گسترده شد که رژیم جمهوری اسلامی مجبور به گسیل نیرو از سایر شهرها به اصفهان گشت و مدیر کل دادگستری اصفهان ضمن تهدید مردم معترض به مجازاتهای شدید، اظهار کرد که در صورت "تصویب شورای تامین استان" از "ارتش" نیز برای "تامین امنیت" خواسته خواهد شد که وارد "صحنه" شود.

در تبریز و در جریان اعتراضات دانشجویی در دانشگاه صنعتی سهند، ۵ تن از فعالین دانشجویی در "انجمن اسلامی" توسط نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شدند. این دستگیریها به موازات بالا گرفتن اعتراضات دانشجویی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی صورت پذیرفت. مزدوران جمهوری اسلامی در شهر سبزوار نیز ضمن حمله به تجمعات دانشجویی در روزهای اخیر حداقل ۵۰ تن از دانشجویان را دستگیر و به زندان منتقل کردند.



* تشکیل اجلاس گروه ۸

۲ در پناه گاز اشک آور!

* "بمب های اتمی کوچک!"

۳ تازه ترین ارمغان دولت بوش

۴ * اخبار

و پزشکی چند دانشجو توسط مزدوران وزارت اطلاعات و عوامل ناشناس ربوده شدند. دانشجویان و مردم با کوکتل مولوتف، سنگ و چوب به مقابله برخاستند. تعدادی از لباس شخصی های مزدور و نیروهای انتظامی مجروح و تنی چند از لباس شخصی ها در محوطه دانشگاه به اسارت دانشجویان در آمدند. در خیابانهای اطراف نیز به ساختمان چند بانک و موسسه دیگر دولتی آسیب هایی وارد آمد و چند وسیله نقلیه مزدوران و از جمله موتور سیکلت های لباس شخصی ها به آتش کشیده شد. با پخش اخبار مبارزات و درگیریهای دانشجویان به سایر شهرها، دانشگاه ها و خیابانهای چند شهر دیگر نیز به صحنه شورشهای ضد دولتی تبدیل گشت. بطور مثال روز سه شنبه ۲۷ خرداد تجمع دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا مورد هجوم وحشیانه و سازمان یافته انصار حزب الله قرار گرفت که در جریان آن تعداد زیادی از دانشجویان زخمی شدند و حال دو تن از آنها وخیم است. در ضمن ۱۶ تن از دانشجویان این دانشگاه ناپدید شده اند. در اعتراض به هجوم نیروهای سرکوب، دانشجویان که اکنون دیگر مردم همدان هم به آنها پیوسته بودند، با روشن کردن آتش و پوشاندن چهره های خود به تجمع در مقابل درب دانشگاه ادامه دادند. این تجمع نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران بسیجی قرار گرفت. نیروهای انتظامی با محاصره حدود ۵ هزار تن از مردم که برای پشتیبانی و کمک به دانشجویان به اطراف دانشگاه رفته بودند، مانع کمک رسانی آنها به دانشجویان شدند. در جریان هجوم بسیجی ها تعداد دیگری از دانشجویان زخمی و یا ربوده شدند.

در شیراز نیز تجمعات و اعتراضات دانشجویی مورد حمله مزدوران موتور سوار حکومتی قرار گرفت. به موازات حمله به دانشجویان، نیروهای انتظامی با استقرار در نقاط حساس شهر، حکومت نظامی اعلام نشده ای را برای ارباب مردم و کنترل اوضاع، برقرار کردند. در شهر کرمانشاه نیز، دانشگاه رازی به عرصه درگیری و سنگ

نزدیک به دو هفته از موج جدید اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرهای مختلف که بسرعت با حمایت چشمگیر توده ای مواجه شد میگذرد. اعتراضات اخیر نخست در خوابگاه های دانشجویی دانشگاه ها در تهران و در اعتراض به طرح "خصوصی سازی" و یا "پولی کردن دانشگاه ها" شعله برکشید. با محاصره خوابگاه ها توسط نیروی انتظامی و گسیل صدها اوباش حکومتی موسوم به "لباس شخصی" برای سرکوب دانشجویان، دامنه اعتراضات بزودی از خوابگاه ها فراتر رفت. هزاران تن از مردم تهران در طول روزها و شبهای بعد، با رساندن خود به مناطق اطراف دانشگاه و ایجاد راهبندان به حمایت از خواستهای دانشجویان پرداخته و بر علیه رژیم سرکوب و استثمار جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند. سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به جای پاسخ به خواستهای بر حق و عادلانه دانشجویان، همچون همیشه شمشیر از نیام بیرون کشیده و به گونه ای وحشیانه به سرکوب و بگیر و ببند تظاهر کنندگان پرداختند. با مشاهده رفتار وحشیانه حکومت، شعارهای دانشجویان و مردم سریعاً رنگ سیاسی به خود گرفت و کلیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به آماج شعارهای تظاهر کنندگان تبدیل گشت. تظاهر کنندگان شعار می دادند: "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر سه جانی، خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی"، "آزادی اندیشه باریش و پشم نمیشه"، "دانشجو، دانشجو، حمایت میکنیم"، "دانشجو، کارگر، اتحاد اتحاد"، "نیروی انتظامی، افتضاح، افتضاح"، "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، "تنها ره رهایی، جنگ مسلحانه ست" و

در جریان درگیریها و سرکوب وحشیانه نیروهای انتظامی صدها دانشجو دستگیر شدند، دهها تن زخمی و حداقل ۷ تظاهر کننده بدست نیروهای سرکوبگر و لباس شخصی ها کشته شدند. همچنین در دانشگاه های علوم اجتماعی



رهایی، جنگ مسلحانه" در دانشگاه ها و خیابانها ویا شعارهای "مرگ بر خاتمی" که در کنار "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" بطور وسیعی فریاد زده شد ویا بر در و دیوار دانشگاه ها نوشته شد، یکبار دیگر نشان داد که مردم چهره دشمنان قسم خورده خود را خوب میشناسند. این شعارها پیام دیگری به طبقه حاکم بود مبنی بر اینکه عمر پروژه هایی نظیر فرستادن مزدورانی (نظیر خاتمی) در لباس "اصلاح طلبی" برای فریب توده ها و منحرف ساختن جنبش انقلابی آنها دیگر به سر رسیده است. و دیکتاتوری بورژوازی وابسته موجود دیگر نمیتواند چهره ضد خلقی و کریه خود را در پشت "لبخند های" مزدورانی نظیر خاتمی پنهان سازد. جمهوری اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگری به آماج خشم و نفرت کارگران، دانشجویان، زنان و سایر اقشار تحت ستم در جامعه ما تبدیل شده است. اعتراضات توده ای قهر آمیز و گسترده اخیر بار دیگر واقعیت فوق را با برجستگی تمام به نمایش گذارد.

آنچه که به اختصار در فوق شرح داده شد، تنها گوشه کوچکی از ابعاد و عمق تظاهرات و حرکت های وسیع ضد حکومتی در هفته های اخیر را به نمایش میگذارد. البته در حکومت مدافع استعمارگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی، وقوع شورشهای دانشجویی و توده ای ویا اعتصابات و اعتراضات قهر آمیز کارگری (که اکنون در مبارزات کارگران قهرمان بهشهر شاهدش هستیم) پدیده تازه ای نبوده و نیست. در حقیقت، این رژیم ضد خلقی بدلیل ماهیت وابسته به امپریالیسم خود، از نخستین روزهای حیاتش با اعتراضات و شورشهای توده ای، دانشجویی و کارگری بر علیه حکومتش روبرو بوده است. اما نکته ای که در دور اخیر بروز این جنبشها برجستگی یافته عبارت از رشد سطح آگاهی و رادیکالیسم آنها و گرایش روزافزون کارگران، دانشجویان و سایر توده های تحت ستم به اعمال شیوه های قهرآمیزو اجتناب ناپذیر مبارزاتی در مقابل یک دیکتاتوری وحشی و تا بن دندان مسلح است که ناتوان از بر آوردن کوچکترین خواسته های سیاسی و صنفی توده ها، با آنها جز با زبان گلوله و سرکوب و زندان و شکنجه سخن نمی گوید. سردادن شعارهایی با مضمون "تنها ره

تشکیل اجلاس گروه ۸ در پناه گاز اشک آور!



و بر عزم خود برای تداوم مقاومت در مقابل سیاستهای ضد خلقی و توافقات راهزنان بین المللی در جهت تشدید استثمار و سرکوب توده های تحت ستم تاکید کردند.

تظاهرات مخالفین اجلاس، شبانگاه شنبه ۳۱ ماه می در شهرهای ژنو و اوپان آغاز و تا ۳ جون به طول انجامید. نیروهای پلیس ضد خلقی فرانسه و سوئیس که از قبل با صدور اطلاعیه به تهدید تظاهرکنندگان پرداخته و با این کار ظرفیت تحمل و ماهیت دمکراسی دروغین گردانندگان نظام امپریالیستی در مقابل مخالفین به نمایش گذاشته بودند، با استفاده از لوله های آبیاش و کار برد وسیع گاز اشک آور در همه جا به معترضین حمله کردند. اعمال این وحشیگری های عریان، تظاهرکنندگان را به مقابله کشانید. و آن ها با ایجاد راه بندان و سنگربندی در خیابانها با کوکتل مولوتف، چوب و سنگ به

کارگران و توده های زحمتکش در سراسر گیتی، از آمریکا و استرالیا و کانادا گرفته تا افریقا و آسیا و اروپا را هرچه بیشتر بمکند. در واکنش به همین واقعیت بود که امسال نیز به رغم اعمال محدودیت های فراوان از سوی دولتهای امپریالیستی، دهها هزار تن از مخالفین نظام سرمایه داری جهانی، خود را به انحاء مختلف به محل برگزاری اجلاس، رساندند تا اعتراض خود به وضع نابسامان موجود را به گوش جهانیان برسانند.

نیروهای امنیتی سوئیس و فرانسه که از قبل آغاز اجلاس امسال، با اخذ تدابیر شدید امنیتی به حالت آماده باش کامل درآمده بودند، از ترس ابعاد شورش و خشم تظاهرکنندگان، محل برگزاری اجلاس را تا شعاع ۱۵ کیلومتری به محاصره خود درآورده و با ایجاد "قلعه آهنین" برای کارگزاران سرمایه داری، حتی اجازه ورود به محدوده اجلاس را هم به مردم نمی دادند. با این وجود هزاران تن از تظاهرکنندگان طی سه روز متوالی با اقدام به راهپیمایی، تظاهرات و درگیری با پاسداران سرمایه و سر دادن شعارهای ضد امپریالیستی، خشم و نفرت خود از استثمارگران بین المللی را به نمایش گذارده

هم زمان با اجلاس دولتهای امپریالیستی موسوم به نشست ۸ کشور صنعتی که در تاریخ اول تا سوم جون در فرانسه برگزار شد، دهها هزار تن از مردم و فعالین "جنبش ضد سرمایه داری" از کشورهای مختلف به خیابانها آمده و بار دیگر آشکارا مخالفت و نفرت خود را از مصائب نظام امپریالیستی، به نمایش گذاردند.

اجلاس امسال سران هفت کشور صنعتی به اضافه روسیه، در شرایطی برگزار شد که در سالهای اخیر روند دائم التزاید رکود و ورشکستگی نظام سرمایه داری در سطح جهانی حیات و هستی صدها میلیون تن از کارگران و خلقهای تحت ستم در سراسر گیتی را هرچه بیشتر به مرز نابودی و اضمحلال کشانده و جنگ از یک سو و اعمال سیاستهای استثمارگرانه و سرکوبگرانه دولتهای امپریالیستی و سرمایه داران خونخوار و زالوصفت از سوی دیگر، طبقات زحمتکش و فقیر را با شتابی فزاینده به سوی فقر، رنج، گرسنگی و بیکاری سوق داده است. در چنین اوضاعی گردانندگان نظام بورژوازی برای غلبه بر بحران و پر کردن جیب صاحبان کارتل ها و صنایع و موسسات امپریالیستی از طریق تشدید استثمار و اعمال سیاستهای هرچه وحشیانه تر و اتخاذ سیاستهای جنگ طلبانه در سطح بین المللی، می کوشند تا شیره جان میلیاردها تن از



"بمب های اتمی کوچک" تازه ترین ارمغان دولت بوش

باشد. استفاده از این مواد باعث شد که نه تنها ۲۰۰ هزار سرباز امریکایی دچار عوارض کشنده ناشی از تماس با این مواد مرگبار در صحنه جنگ شوند ، بلکه موجب آن شد که بیماری سرطان در سالهای ۹۱ تا ۹۴ در عراق به میزان ۷۰۰ درصد رشد کند. همچنین بسیاری از مردم رنج دیده عراق که به خاطر وحشیگری امپریالیستها، ناخواسته در معرض تماس با این مواد قرار گرفتند ، دچار آنچنان بیماری های پوستی و استخوانی ای شده اند که آثار دراز مدت آن صرف نظر از کشتن فرد بیمار ، حتی ممکن است به نسلهای بعدی هم منتقل شود.

امروز که بیش از یک دهه از استفاده از این مواد مرگبار توسط ارتش امریکا در عراق می گذرد ، هنوز ۳۲۰ متریک تن از اورانیوم مصرف شده در جنگ خلیج همچنان در منطقه پراکنده است که آثار مرگبار آن تا نسلها گریبان توده های محروم منطقه را رها نخواهد کرد. با توجه به مثال فوق می توان به راحتی درک کرد که عوارض مرگبار استفاده حتی از یکی از "بمب های اتمی کوچک" مورد نظر دولت بوش در جنگهایی نظیر عراق و افغانستان چگونه می تواند به یک نسل کنشی تمام عیار از سوی امپریالیستها و ایجاد فاجعه بر علیه خلقهای محروم منجر شود. در حقیقت دولت بوش جنایتکار با آماده کردن زمینه های قانونی تهیه و استفاده از سلاحهای اتمی کوچک ، زیر نام مقابله با "گروههای تروریستی" و یا "دولتهای سرکش و یاغی" مشغول طرح نقشه ای به غایت مرگبار و فاجعه انگیز بر علیه تمامی بشریت است که باید با تمام قوا با آن مقابله کرد.

واقعیت این است که نه "تروریست" و نه "دولتهای یاغی" هیچکدام نمی توانند نیاز امپریالیسم امریکا به ساخت بمب های اتمی کوچک و تمایل روزافزون این دولت به نظامی گری و بحران سازی های مصنوعی به منظور برپا کردن جنگ های ارتجاعی و مرگبار را توجیه نمایند. گرایش فزاینده امپریالیسم امریکا به اعمال قهر و ارتجاع عنان گسیخته، انعکاس طبیعی بحران و رکود اقتصادی ای است که نظام محضر امپریالیستی را در کلیت آن فرا گرفته است. در چهارچوب این بحران و برای نجات و غلبه بر آن است که امپریالیسم امریکا به منظور حفظ قدرت رقابت خود با سایر امپریالیستها و راهزنان بین المللی ، در سالهای اخیر به تعقیب سیاستی پرداخته است که جوهر آن

این روزها در حالی که امپریالیسم امریکا در غرقاب یک بحران اقتصادی عمیق دست و پا می زند ، دولت بوش با سرعت جنون آسایی مشغول صرف هزینه برای ماشین جنگی عظیم خویش است. در همین رابطه اعلام شده که دولت بوش با تصویب سنای این کشور ، "محدودیت ده ساله تحقیق در باره بمب های اتمی کم بازده" را لغو کرده است. در پی این تصمیم سنا ، پنتاگون اعلام کرد که در سال آینده مبلغ ۱۵ میلیارد دلار را در زمینه تحقیق برای ساخت "سلاحهای اتمی کوچک" به وزن کمتر از ۵ کیلو تن هزینه خواهد کرد. هدف از ساخت بمب های اتمی کوچک، بنابه ادعای رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا "نابودی مراکز فرماندهی کنترل زیر زمینی و انبارهای سلاحهای کشتار جمعی خواهد بود".

انتشار این خبر در حالی است که مقامات دولت امریکا مدتهاست که در چهارچوب مفاد سند ضدخلقی موسوم به "استراتژی امنیت ملی" از لزوم تغییر دیدگاه امریکا در مورد نقش استراتژیک سلاحهای اتمی و تبدیل آن به یک سلاح تاکتیکی سخن می گویند. معنای این تغییر آن است که از این پس ارتش امریکا می تواند به راحتی بمب اتمی را در جنگهایی نظیر افغانستان و عراق هم به کار ببرد. و اما در مورد قدرت تخریب این سلاح مرگبار یعنی بمب های اتمی کوچک کافی است اشاره شود که مطابق ارزیابی کارشناسان نظامی ، استفاده از یک بمب اتمی کوچک به وزن یک کیلو تن در هر نقطه می تواند حفره ای را به عمق نقطه صفر در زمین باقی مانده از محل استقرار برجهای تجارت جهانی ، ایجاد کرده و معادل یک میلیون فوت مکعب خاک و گرد و غبار سیال آلوده به مواد رادیو اکتیویته را در فضای اطراف پخش کند. برای درک بهتر ابعاد مرگبار و تاثیرات مخوف ناشی از چنین سلاحی کافی است تا فقط یک مثال از جنگ اول خلیج را بازگویی کنیم.

همانطور که می دانیم مدتی پس از پایان جنگ اول خلیج که منجر به قصابی هزاران عراقی توسط نیروهای نظامی متحدین گشت ، این موضوع افشاء شد که نیروهای امریکایی - انگلیسی در طول جنگ عراق ، به تناوب از گلوله های آغشته به مواد مرگبار اورانیوم استفاده کرده اند. به رغم حجم کم اورانیوم استفاده شده در صحنه های این جنگ، تاثیرات مخوف و مرگبار ناشی از این عمل ضدخلقی بسیار گسترده می

رویارویی با پلیس ضدشورش پرداختند. در جریان سه روز تظاهرات ، ساختمان چندین موسسه مالی ، اداره های مالیات ، مک دونالد و برخی ساختمان های دولتی به مثابه مظاهر آشکار ستم امپریالیستی ، به ویژه موسسات امریکایی مورد هجوم تظاهر کنندگان قرار گرفته و تخریب شد. با مشاهده دامنه مقاومت و روحیه تعرضی توده ها ، مقامات دولتی ، نیروهای کمکی پلیس سرکوبگر آلمان را نیز برای سرکوب تظاهرات به صحنه فرا خواندند. در جریان اعمال خشونت گسترده تر توسط پلیس ، دهها تن از تظاهرکنندگان ، وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و مجروح و دستگیر شدند. در چند مورد ماشین های پلیس با وحشیگری تمام از روی تظاهر کنندگان متفرق و پراکنده گذشتند. در نتیجه این اقدام ، یک تظاهرکننده انگلیسی به نام مارتین شاو توسط خودروی پلیس زیر گرفته و از پل به پائین پرت شد که حال او وخیم گزارش شده است. نیروهای ضدشورش همچنین شب هنگام به محل تجمع و کمپهای تظاهرکنندگان هجوم برده و با اعمال خشونت و وحشی گری تعداد دیگری از تظاهرکنندگان را در محلهای استقرارشان دستگیر کردند.

در این حال مردم بومی در شهرهای محل تظاهرات به ویژه در ژنو به گونه برجسته به تظاهرکنندگان کمک کردند. مردم ضمن اعلام حمایت از جنبش ضدسرمایه داری ، از تظاهرکنندگان با چای و بیسکویت و میوه پذیرایی کردند و در برخی موارد ابزار لازم برای سنگر بندی های خیابانی را در اختیار معترضین گذاردند.

مقامات قضایی و پلیس سوئیس ، بیشرمانه دستگیرشدگان (که در بین آنها تعدادی نوجوان مبارز ۱۵ تا ۱۸ ساله وجود دارند) را "خرابکار" و "سارق" نامیده و اعلام کرده اند که با دستگیر شدگان به شدت برخورد خواهند کرد. تظاهرات گسترده ضدسرمایه داری در سوئیس و فرانسه و سرکوب وحشیانه آن توسط مزدوران بورژوازی ، چهره واقعی و کربیه نظام سرمایه داری و کار به دستان و جیره خواران آنها را به نمایش گذارد و بر روحیه رزمنده گی و اتحاد و تداوم مقاومت و پایداری مردم در مبارزه با این نظام استثمارگرانه و کثیف مهر تاکید کوبید.



توسعه سلطه اقتصادی - سیاسی بر بازارهای جهان و منابع انرژی و بردن سهم بیشتر از استثمار و غارت طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم دنیا با اتکاء به نیروی بی همتای ماشین جنگی خویش در سطح بین المللی است. افزایش بی سابقه هزینه های نظامی، آن هم در شرایط تشدید فقر و فلاکت توده ها و تخصیص هزینه های گزاف برای تولید سلاحهای فاجعه بار نظیر بمبهای اتمی و... در چهارچوب پیشبرد چنین سیاست ضدخلقی ای قابل فهم است.

"نامنی" و "بی ثباتی" برای بشریت است. گسترش روز افزون مقاومت و اعتراضات و حرکات ضد امپریالیستی و ضدجنگ در دوره اخیر بهترین گواه مبنی بر این واقعیت است که توده های آگاه در سراسر جهان، نه تنها فریب ادعاهای جلاذنی نظیر بوش را نخورده اند، بلکه با مقاومت و مبارزه برعلیه نظام امپریالیستی، تلاشهای خود برای به وجود آوردن دنیایی آزاد و فارغ از جنگ و استثمار و سرکوب را ادامه می دهند.

اخبار

* تداوم مبارزات قهرمانانه کارگران بهشهر

به دنبال مبارزات قهرمانانه و پی گیرانه کارگران بهشهر و پشتیبانی های بی دریغ مردم ستمدیده این شهر از کارگران، آخرین خبر از بهشهر حاکی است که با خش شدن اخبار مبارزات مردمی - دانشجویی در تهران، کارگران و توده های رنج دیده به خیابان ها ریخته و خشم شدید و بی نهایت خود از رژیم دمنش حاکم را با فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. ستم دیدگان به طور یک پارچه به مراکز دولتی حمله ور شدند. آن ها دو بار فرمانداری را مورد حملات خود قرار دادند. خواست سرنگونی کامل رژیم جمهوری اسلامی و رادیکالیسم این مبارزات در چنان ابعادی بود که رژیم برای زیر کنترل خود گرفتن شهر، ۳۰۰۰ نیروی نظامی را از شهرهای اطراف در بهشهر گرد آورد. نیروهای سرکوبگر شبانه به خانه های مردم حمله ور شدند. در مواردی آن ها برای ورود به خانه ها از گاز اشک آور استفاده نمودند. عده زیادی توسط مزدوران رژیم دستگیر شده اند؛ ولی بهشهر همچنان در تب و تاب مبارزه به سر می برد.

پیش از این شماری از کارگران قهرمان بهشهر - هنگامی که معلوم شد مسئولین جمهوری اسلامی علیرغم همه وعده و وعیدهایشان قصد پاسخکوئی به خواست های برحق کارگران را ندارند و مطرح می کنند که "نباید برای کارگران این گونه جا بیفتند که با توسل به خشونت، می شود حق خود را گرفت"، از تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زدند. در طی اعتصاب غذا نیروهای انتظامی با محاصره کارخانه و جلوگیری از تماس با کارگران (آن ها حتی از تماس خانواده کارگران با آن ها ممانعت نمودند)، به شکل وحشیانه ای با کارگران برخورد کردند.

* بردگی جنسی زنان

در شرایطی که با گسترش نظام سرمایه داری فاصله طبقاتی بسیار شدید گشته و اکثریت مردم ایران با فقر و ناداری دست به گریباندن، تن فروشی زنان ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است به گونه ای که واقعا می توان از قربانیان به عنوان برده های جنسی نام برد. خبر زیر این موضوع را تأیید می کند: یک باند سود جو در شیراز ۴۰ زن و دختر

زمانی نه چندان دور و مطابق ادعاهای کر کننده امپریالیستهای جنایتکار قرار بود تا دنیای پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر، به ابتکار امریکا و به دنبال لشکرکشی های تجاوز کارانه و اشغال افغانستان و عراق و... برای توده مردم دنیایی "امن تر" و "با ثبات تر" باشد. اما مشاهده واقعیات ساده زندگی و رفتار ضدخلقی دولت امریکا در همین مدت، بیش از پیش به تمامی توده های تحت ستم ثابت کرد که اصولاً نظام گنبدیده امپریالیستی و در رأس آن امریکا، بزرگترین عامل

جوان را شبی ۷۰ هزار تومان اجاره داده و به بعضی از آن ها ۲۰ هزار تومان پرداخت میکرد. به بقیه زنان و دختران جوان پولی پرداخت نمی شد و آن ها صرفاً در ازای دریافت کمی غذا و پوشاک، در خانه متعلق به باند به سر برده و به عنوان برده جنسی مورد سوء استفاده قرار می گرفتند.

* اجرای قانون توسط ماموران "فیر قانونی" جمهوری اسلامی!

اداره اماکن نیروی انتظامی با صدور بخش نامه ای، مجدداً بر اجرای قانون رعایت "حجاب اسلامی" تأکید نموده و به تولید کنندگان و فروشندگان مانتو های رنگین و مدل جدید یک ماه فرصت داده اند (تا ۲۷ مرداد) تا اقدام به جمع آوری این نوع مانتو ها نمایند. در این بخش نامه علاوه بر تولید کنندگان و فروشندگان، به استفاده کنندگان این نوع مانتو ها هم اخطار داده شده است که در صورت عدم رعایت "قانون" با آن ها به عنوان "برهم زندگان نظم اجتماعی و عاملین جریحه دار نمودن عفت عمومی جامعه" برخورد خواهد شد.

هنوز مدت کوتاهی از صدور بخش نامه فوق الذکر نگذشته است که خبر می رسد که ماموران "غیر قانونی" (!) جمهوری اسلامی (لباس شخصی ها) برای اجرای "قانون"، به مغازه های مانتو فروشی حمله کردند. از جمله به چند مغازه واقع در چند خیابان تهران هجوم برده و با پاره کردن مانتو های مدل جدید (مانتو های رنگی و چاکدار و کوتاه)، خسارات زیادی به مغازه ها وارد نمودند. این ماموران در مقابل اعتراض مغازه داران وحشیانه به ضرب و شتم آنها پرداختند. علیرغم این اقدامات، هنوز مغازه داران تهران ویتترین مغازه خود را تغییر نداده و کماکان به فروش مانتو های مدل جدید مشغولند.

همچنین طبق اخبار منتشر شده، در چندین نقطه تهران مزدورانی که دخالت بیشمارانه در امور خصوصی مردم را به عهده دارند، اقدام به دستگیری دخترانی که مانتو های مدل جدید به تن داشتند را نموده و آنها را به "اداره مفاسد اجتماعی" منتقل کرده اند. در عین حال گزارش شده است که در ارومیه ۳ هزار و ۴۰۰ نفر از زنان به خاطر عدم رعایت "حجاب اسلامی" تذکر دریافت کرده اند.

* حضور دهها شرکت آمریکایی در ایران

به رغم جنگهای دستگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی و امریکا مبنی بر "تحریم تجاری" ایران توسط دولت امریکا و

عدم حضور شرکتهای آمریکایی در بازارهای ایران، اخیراً فاش شده است که حداقل ۳۵ شرکت آمریکایی در ایران فعال هستند. به گزارش سی ان ان، بخش اعظم این شرکت ها در صنعت نفت، حفاری دکل ها و پروژه های هایدرو الکتریک در ایران فعالیت دارند. معروف ترین این شرکتها، "هالی برتون" است که دیک چینی معاون فعلی رئیس جمهوری امریکا تا سال ۲۰۰۰ رئیس آن بود و مدتها نیز در دفتر این شرکت در تهران به سر می برد. شایان ذکر است که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و برغم جنگ تبلیغاتی این رژیم وابسته با امریکا، بسیاری از سرمایه های شرکت های آمریکایی در قالب شرکتهای خارجی دختر و نوه در اقتصاد وابسته و بازارهای ایران به فعالیت های اقتصادی و سودآور خود ادامه داده اند. مطابق گزارش سی ان ان برخی از شرکتهای آمریکایی نیز در تجارت پر درآمد واردات پسته، خشک بار، خاویار و قالی از ایران مشغول فعالیت می باشند.

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید.

<http://www.fadaee.org/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق

ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق

ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

